



المپیک سال 2020 در ایران !!؟

rasulabbasi@yahoo.com

رسول عباسی

امروز المپیک نمادی از جهانی شدن و فرهنگ جهانی بودن هست . المپیک در سالهای گذشته علاوه بر اینکه پیام آور صلح و دوستی بوده نمایی از توسعه و پیشرفت را نیز به همراه داشته است . المپیک با آنکه در بازیهای خود تبلیغات و آگهی تبلیغی نپذیرفته است ولی بازیهای المپیک بازاری چند میلیارد دلاری در سطح جهان برای رسانه های تبلیغی فراهم می آورد !!؟ و کشور برگزار کننده بازیهای صلح و دوستی المپیک چند میلیارد دلاری را برای برگزاری بهتر این بازیها هزینه می کند و بیش از مبلغ هزینه را توریستها در ایام برگزاری بازیها به آن کشور باز می گردانند و علاوه بر آن کشور برگزار کننده المپیک بزرگترین فرصت را برای نمایش هر آنچه خود دارد برای عرضه به دنیا فراهم می یابد . در ماهیت بازیها المپیک فلسفه ای نهفته است که مفهوم آن کشاندن خوی ستیزه جویانه انسانها به رقابت در میدان بازیهاست که با دوستی برگزار شده و با صلح پایان می یابد و امروز میدان رقابت برای نشان دادن قدرت بین ملتها قابل مقایسه با رقابت در میدانهای جنگ و خونریزی نیست !!؟ شاید مفاهیم ذکر شده انگاره ای ساده بینانه بوده است و امروز این رقابتهای بمراتب دارای مفاهیمی پیچیده و مرکب است !!؟ چرا که امروز گذشته از ماهیت این بازیها بحث قابلیت و توانایی اجرا نیز مطرح است بویژه در قرن بیست و یکم این مسئله بعد دیگری بخود گرفته است دیگر انتخاب و اختیار محل برگزاری بازیها چندان با معیارهای قرن بیستم هماهنگی نمی کند و مشکلات به نحوه مطلوبی کاهش پیدا کرده است و ملتها به مثل گذشته شاهد تحریم بازیها از سوی کشوری و یا مجموعه کشورها نیستند .

الی اینکه مشکل کوچکی مانده و آن هم مواجهه رقبا در این بازیها می باشد که منحصر هست به ورزشکاران اسرائیل با ورزشکاران برخی از کشورهای عربی که مسلماً این معضل نیز بزودی مرتفع خواهد شد و مشکل مواجهه ورزشکاران کشور ما ایران نیز با ورزشکاران اسرائیل موجود هست با اینکه ایران و اسرائیل هیچگاه با هم جنگی نداشته اند و دو ملت همیشه نسبت به هم مهربان و پشتیبان هم بوده اند متأسفانه این معضل از سوی رژیم نامشروع آخوندی متوجه کشور ما شده است که همین مناسبت بهانه ای برای نگارش این سطور را فراهم می سازد و بر ماست که این معضل را بزودی حل کنیم و صمیمانه به جمع خانواده جهانی بیوندیم .

هموطنان عزیز : ایرانیان شریف آگاه : امروز هیچ جوان و نوجوان ایرانی سراغ ندارید که هوس و آرزوی برگزاری المپیک در ایران را به دل نداشته باشد و پرسش اینجاست ؛ آیا ایران ما می تواند چنین افتخاری را به خود ببیند ؟ آیا این آرزوی نسل نوجوان و جوان ما محقق خواهد شد ؟

برای برگزاری المپیک ابتدا باید دید چه زمینه هایی لازم و ضروری است . برای پاسخ مواردی چند می توان برشمرد که از آن جمله توان اقتصادی ؛ موقعیت سیاسی مطلوب در جهان امروز ؛ امکانات ورزشی ؛ تامین

امنیت و رفاه برای ورزشکاران؛ توان پذیرایی از میهمانان بویژه از توریست‌ها که طبق این مورد آخري خود مستلزم فراهم بودن بسیار وسیع امکانات است و ریزه کاری‌های بسیاری که برای تدارک این بازیها الزامی می باشد و آن گونه که در بالا اشاره شد موقعیت مناسب سیاسی در کنار توان اقتصادی از موارد بسیار مهم برای اجرایی بون این بازیها در یک کشور به حساب می آید که بحث صلح و رعایت حقوق بشر و همسویی با موازین بین المللی نیز از جمله مسایلی است که آنها را باید در پارانتز سیاست جمع بست . پس با این حداقلها که بر شمرديم هیچگاه با وجود رژیم جمهوری اسلامی امکان برگزاری بازیهای صلح و دوستی جهانی تحت نام المپیک در ایران ما ممکن نخواهد شد .

رژیم اسلامی و آخوندي یک رژیم زن ستیز و تبعیض گراست در حالی که زنان در تمامی رشته های ورزشی المپیک هم پای مردان به رقابت می پردازند و این در شرایطی هست که رژیم آخوندي هنوز حتی تاب و تحمل نمایش رقابتهای ورزشی زنان در بستوی خانه ها را ندارد و با ممنوعیت آنتنهای ماهواره و مصادره این دستگاهها مانع از تماشای مسابقات از سوی مردم ایران می شود تا چه برسد که بانی برگزاری چنین بازیهایی گردد که از محالات بديهی است !! گذشته از این مورد رژیم آخوندي یک رژیم خشونت گرا و تروریست پرور است و بدتر از همه اینکه یک رژیم ستیزه جو نیز می باشد و عموماً در پی شرارت در جهان بوده و اهداف صلح ستیزی را دنبال می کند و دایم برای ملت ایران دشمن تراشی می نماید با چنین رژیمی هیچگاه جوانان و نوجوانان میهن ما به آرزوهایشان نمی رسند و بی علت نیست که موج گریز و مهاجرت جوانان ایران به خارج از کشور طی سالهای گذشته ابعاد وسیعی بخود گرفته است . ولی هجرت در برابر یاس از آینده و بی امیدی نسبت به فردا انتخاب درستی نیست و ای کاش حداقل هجرتها برای امید آفرینی فردا بود و جوانان برای ساخت دوباره میهن و به امید بازگشت به خویشتن کوچ می کردند و هجرتشان عزمی دوباره برای مبارزه در راه رسیدن به آملشان بود . اما بحث اینجاست که می توان امیدها را روشن نگاه داشت و باید برای رسیدن به آرزوها کوشید . در جایی گفته بودم باید اندیشه یمن را دنیایی کنیم تا که دنیایمان را بسازیم و این مسلم است تا وقتی که به دنیا و زندگی در کره خاکی نیندیشیم هرگز قادر به سازندگی نخواهیم بود . المپیک نمادی از سازندگی و زندگی در دنیای امروز است و ما ایرانیان نیز حق زندگی داریم . المپیک پیام روشنی از آبادانی دارد و اگر ما در نهضت نجات ملی ایران پیامهایمان را با شعار پاینده باد ایرانی آزاد و آباد به پایان می بریم دلیل آشکاری بر این مفهوم دارد که خواهان ایرانی هستیم هم پای با دنیای مدرن و مرفه امروز نه دنیای خرافه و خرابه و تخریب زده ؛ به این منظور راهی جز مبارزه با حاکمیت استبدادی و مطلقه آخوندي نیست .

اگر ما ایرانیان بتوانیم رژیم آخوندي را به این زودیاها براندازی کنیم و متعاقب آن با آگاهی و هوشیاری انتخابی درست در پیش بگیریم تا مصون از انحرفهایی باشیم که می تواند بازدارنده در مسیر رشد ترقی کشور باشد که نباید تجربه دیگر کشورها و گذشته خودمان را به بوته فراموشی بسپاریم که اصل فقط براندازی رژیم نیست بلکه ساخت نظام آینده نیز باید جزو اهداف ما باشد و از هم اینک در تدارک آن باشیم و ما فصل روشنی را برای آن در نظر گرفته ایم که در محور حاکمیت ملی و مردمی خلاصه می گردد نظامی مردمسالار و دموکراتیک و سکولار که در غیر این صورت دوباره رسیدن به آرزوی جوانان برای برپایی المپیک عبث خواهد بود ؛ مطمئناً می توانیم طی سالهای آینده با برنامه ریزی درست و اصولی زمینه برگزاری المپیک را در ایران عزیز خودمان فراهم آوریم و من پیشنهاد برگزاری المپیک سال دوهزار و بیست در ایران را ارایه می دهم . باید از ذهن دور نسازیم که هر چقدر در براندازی رژیم آخوندي تاخیر داشته باشیم به همان نسبت در رسیدن به آرزوی المپیک برای نوجوانان و جوانان میهمان به عمق قرن بیست و یکم دور خواهیم شد یعنی مجبوریم بسوی آرزوهای چون 2024 ؛ 2028 ؛ 2032 ؛ 2036 و حتی 2040 عقب نشینیم . چرا که کشور ما حداقل ده سال زمان برای بازسازی زیر ساختهای اقتصادی و سیاسی خود در جهت آمادگی برای برپایی چنین بازیهایی دارد و از همه مهمتر اصلاح نگاه فرهنگی به دنیای اطراف و نحوی زیست در دنیای معاصر است که متأسفانه با حاکمیت اندیشه آخوندي و تخریب دینی فرهنگ ملی ایرانیان بسیار آسیب دیده و نگرش اغلب مردم به دنیا از خوی انسانی خارج و بعضاً در سیر فقیرایی نزول کرده است . جامعه ایران آسیبهایی فرهنگی بسیاری دیده و در کمال تأسف اخلاق به تمام معنا دچار انحطاط و سقوط شده است برای بازسازی چنین آسیبهایی یک پروسه نسبتاً دراز مدت لازم است و از سوی دیگر باید با نگاهی نو آسیبهایی سیاسی را ترمیم کرد و نگاه دنیای خارج را نسبت به کشورمان مثبت ساخت . در اینصورت می توان با زیر بنای اقتصادی قدرتمند که بر پایه نفت بنا نشده بلکه مبنا اقتصاد بازار آزاد و نظامی صنعتی و گردش تجاری داخلی و خارجی است که با محوریت آزادی و آبادی به پیش می تازد تا با برگزاری المپیک تظاهر به تجلی و بازیافت عظمت گذشته خویش نماید .

اینک شانزده سال تا سال دوهزار بیست فرصت داریم و اگر تا یک سال آینده ملت ما بتواند بصورت آگاهانه رژیم آخوندي را براندازی نماید ؛ پانزده سال زمان مناسبی است که ایران را نامزد برگزاری المپیک سال دوهزار و بیست کنیم و با توجه به امکانات ورزشی که در تهران موجود است می توان کمیته المپیک را برای

بازسازی بهتر تاسیسات ورزشی مان توجیه کرد و از سوی دیگر زمان پانزده سال به کشورمان امکان تربیت شیر زنان میهنمان را برای حضور برابر در میدان رقابتها فراهم می آورد . اما آنچه امروز ضروری است اینکه ایرانیان آزادخواه باید تبلیغات وسیع خود را برای نامزدی بازیهای دوهزار و بیست المپیک بصورت مردمی در سطح جهان مطرح سازند و از مردم جهان برای فراهم سازی شرایط برگزاری این بازیها در ایران یاری بطلبند . باید برای تحقق آرزوی جوانانمان گام عملی را برداریم باید برای تحقق خواست فرزندانمان بیا خیزیم . باید به دنیا بگوییم که فرزندان ایران خواهان ایفای نقش خود در عرصه جهانی برای ابراز پیام صلح و دوستی هستند . باید فریاد بر آریم که ما ایرانیان پیام آوران خیر و نیکی هستیم و به شرارتگران نه می گوییم پس ما را در رسیدن به سفیدی و جدایی از سیاهی و پلیدی یاری رسانید . باید با عزم ملی و بصورت همگانی فریاد نوجوانان و جوانان میهنمان را به گوش جهانیان برسانیم که ایران خواهان برپایی المپیک در تهران هست و این مهم با وجود رژیم پلید آخوندی ممکن نخواهد شد ؛ پس ما را در رسیدن به آرزوی نیکمان یاری رسانید تا با براندازی رژیم ضد بشری آخوندی سایه شوم ارباب و تهدید از سر کشور ما و دنیا پاک شود .

چند روز پیش طی بحثی به دوستان توصیه داشتم که تا می توانیم دامنه خیر اندیشه را توسعه دهیم تا شر رژیم آخوندی را غرق ساخته و محو کنیم و ما باید بدانیم که در آمیختگی سیاهی با سفیدی هر آنچه قدر که حجم سفیدی افزون شود سیاهی کم رنگ گشته و نهایت اینکه رنگ خاکستری به سفیدی می گراید و با افزودن سفیدی بیشتر بی دریغ سیاهی محو خواهد شد هر چند ذرات عنصر آن باقی باشد و البته این مسئله بستگی به قابلیت آمیختگی جنس سیاه دارد و در صورت عدم آمیختگی چاره جز بر خورد از نوع دیگر نیست و باید با روشی دیگر آن سیاهی را محو ساخت و این جبر علمی است و از آن گریزی نیست .

ما باید پرچم سفید المپیک را به نشانی خیرخواهی و صلح جویی ملت ایران بر فراز تهران به اهتزاز در آوریم تا حلقه های رنگی منقوش بر آن پرچم سفید نشانی از همبستگی ملی ما ایرانیان باشد تا نشانی از جامعه رنگی ایران باشد و خط بطلانی بر جامعه سیاه و سفید و خاکستری بکشیم و به دنیا نشان دهیم که ایران می تواند کشوری پیشرفته باشد و جایگاه تاریخی خود را بار دیگر باز یابد و می تواند پذیرای میلیونها توریست از تمام نقاط جهان باشد و میهمان پذیری و فرهنگ تمدنی خود را به نمایش بگذارد .

ما برای عملی شدن آرزوهایمان چاره ای جز تلاش و مبارزه و مقاومت نداریم و در این راه همه باید وارد میدان نبرد گردند و هر کسی آنچه در توان دارد در طبق اخلاص نهد و مقصد را آینده ای روشن و بهتر برای ایران در پیش روی خود قرار دهد تا همه با هم بسوی ایرانی آزاد و آباد در آینده ای نزدیک پیش بتازیم .

ایرانیان می توانند در هر نقطه از جهان که قرار دارند در ایام برگزاری بازیهای المپیک آتن با مراجعه به کمیته های المپیک کشورهای محل اقامتشان با طرح موضوع نامزدی ملی برای برگزاری المپیک دوهزار و بیست در ایران و با درخواست حمایت از این نامزدی مردمی به طرح ستمهایی بپردازند که از سوی رژیم دینی حاکم بر کشورمان به بهانه دین و مذهب بر سر ملت ایران می رود و حقوق ابتدایی و ذاتی انسانها در کشورمان نقض می شود و ما باید از فرصت برگزاری المپیک آتن در بهار سال 1383 بهترین بهره برداری را برای تاثیر گذاری بر افکار عمومی جهان نسبت به اعمال و رفتارهای جنایت آلود رژیم آخوندی بعمل آوریم و به دنیا چهره حقیقی رژیم صنفی و آپارتاید آخوندی را بیش از پیش آشکار سازیم . دانشگاهیان ایرانی برون مرز می توانند در ارتباط با شهروندان و دانشگاهیان خارجی نقش بسزایی در شکل گیری افکار عمومی جهانی ایفا نمایند و رسانه های ارتباطی ایرانی بشکل نوشتاری و صوتی و تصویری نیز می توانند سهم بسزایی در هر چه گسترده تر کردن اندیشه برگزاری المپیک تهران داشته باشند و مردم را برای آینده اکتیو و فعال کرده و در برابر نوجوانان و جوانان میهنمان به مسوولیت خود عمل کنند .

طبعاً در این خصوص نوستان معاونت اجتماعی نهضت نجات ملی ایران برنامه های ویژه خود را در داخل کشور خواهند داشتند و دیگر اعضای نهضت در برون مرز نیز در این راستا فعال خواهند بود و بویژه انتظار از اعضای نهضت در کانون یونان و آتن در زمان برگزاری بازیهای المپیک مضاعف است و امید اینکه بتوانند با امکانات محدود خود گامهای آغازین را برای این عزم بزرگ ملی بردارند .

مردادماه سال 1383

قبل از برپایی المپیک یونان

<http://www.nehzat.info>

ای کاش بتوان ایران را نامزد المپیک 2040 کرد ؟!

رسول

مردادماه سال 1387 قبل از برپایی المپیک چین